



A Quranic Approach in Examining the Principle of Good Faith in International Agreements *

Fatima Zand Eqtaee^۱

Mohammad Qurbanzadeh^۲

Jafar Zanganeh Shahraki^۳

ABSTRACT

Good faith is the principle that not only assists in the implementation of the subject of the treaty and the achievement of the desired goal but also the interpretation of the treaty is done in the light of good faith. In this research, good faith in Quranic verses has been studied by examining interpretive sources. Differences in concept, its different function in conventional laws, the existence of non-exclusive instances of this principle, etc., necessitate the significance of dealing with this issue in contracts. The verses denote subjective fairness and honest behavior with execution commitment with a lack of malice. This denotes not only in the implementation but also in the pre-agreement stage, and this point indicates the comprehensive dimensions of the Quran in this regard; Because on the one hand, the Quran requires and emphasizes the fulfillment of the obligation and considers the parties of the contract to be responsible for the obligation, and on the other hand, it allows the termination of the agreement in case of treacherous behavior towards the agreement or malice in implement.

Keywords: treaty, Quran, Good Faith, Commitment, Honest Behavior.

*. Date of receiving: ۴, January, ۲۰۲۱, Date of approval: ۲۵, June, ۲۰۲۱.

۱. PhD graduate of Quran and Law, majoring in Al-Mustafa Al-Alamiyah University

(Corresponding Author): zand۱۳۸۲f@gmail.com.

۲. Assistant Professor, Department of Quran and Sciences, Al-Mustafa International University, Mashhad: qorbanzadeh@chmail.ir.

۳. Assistant Professor of Law, Razavi University of Islamic Sciences: zanganehjafar@gmail.com .



حسن نیت و ضمانت اجرای معاهدات در قرآن و حقوق بین الملل *

فاطمه زند اقطاعی^۱ محمد قربانزاده^۲ جعفر زنگنه شهرکی^۳

چکیده

حسن نیت، اصلی است که نه تنها در اجرای موضوع معاهده و رسیدن به هدف مطلوب کمک کننده است، بلکه تفسیر معاهده نیز در پرتو حسن نیت صورت می گیرد. در این پژوهش با بررسی منابع تفسیری، به حسن نیت در آیات قرآن پرداخته شده است. اختلاف در مفهوم، کارکرد متفاوت آن در حقوق معاهدات، وجود مصادیق غیرمنحصر از این اصل و... اهمیت پرداختن به این موضوع در معاهدات را ضروری می نماید. آیاتی که دلالت بر حسن فاعلی، رفتار صادقانه همراه با تعهد در اجرا و نبود سوءنیت می کند، نه تنها در اجرا که در مرحله پیش از انعقاد معاهده نیز مطرح است و این امر بیانگر ابعاد گسترده و جامع قرآن در این زمینه است؛ زیرا قرآن از یک سو وفای به عهد را لازم و بر آن تأکید می کند و طرف معاهده را نسبت به تعهد مسئول می شناسد و از سوی دیگر در صورت احراز رفتار خائنانه نسبت به معاهده یا سوءنیت در اجرا، فسخ معاهده را جایز می داند.

واژگان کلیدی: قرآن، حقوق بین الملل، معاهده، حسن نیت، تعهد، رفتار صادقانه.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۴.

۱. دانش آموخته دکتری قرآن و علم گرایش حقوق جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول) zand1382f@gmail.com.

۲ - استادیار گروه قرآن و علوم جامعه المصطفی العالمیه مشهد: qorbanzadeh@chmail.ir.

۳ - استادیار گروه حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی: zaganehjafar@gmail.com.



مقدمه

معاهدات عامل مهمی در توسعه ارتباطات انسانی و دولت‌ها هستند. تعهد و التزام بر موضوعی خاص نوعی اعتماد در روابط انسانی ایجاد می‌کند که حائز اهمیت است و از ضرورت‌های زندگی اجتماعی بشر به حساب می‌آید؛ از این رو نظام‌مند نمودن آن سبب نظم و عدالت اجتماعی است. قرآن کریم دارای آیات متعددی در حوزه معاهدات است که لازم است، این نظام از قرآن دریافت شده و به جوامع اسلامی و بشریت معرفی گردد. در این پژوهش با روش مطالعات تفسیری به بررسی و تحلیل اصل حسن نیت در معاهدات پرداخته شده است

اصل حسن نیت (Good faith/Good will/bona fides bonne foi) معیار ارزیابی شرایطی است که در آن، کشورها به تعهدات خود عمل می‌کنند (ضیایی بیگدلی، حقوق معاهدات بین‌المللی، ۱۳۹۲/۱۱۷)؛ البته این اصل از نظر ورود و توسعه در مباحث حقوق در طول زمان دچار تحولاتی شده است. با ظهور مسیحیت، عقیده به باطن نیکو عامل مهمی در گرایش به مسیحیت در حقوق روم بود. بعدها این اصل در حقوق طبیعی راه یافت. به طوری که فلسفه تومیسیتیک (thomistic philosophy) به حسن نیت به عنوان دستور حقوق طبیعی و به عنوان حکم تمام قوانین توجه می‌کند. غیر از تأثیرات مذهبی، ظهور این اصل بر روابط متقابل متعاقدين و رویای مبادله منصفانه و... گرایش محاکم را به سمت این اصل گسترش داد (ر.ک: جعفری، اصل حسن نیت در قراردادهای، ۱۳۹۴: ۳۷-۳۸).

اصل مذکور بآنکه غایتی اخلاقی دارد، صرفاً اصلی اخلاقی نیست؛ بلکه جزئی از حقوق بین‌الملل موضوعه محسوب می‌شود. به اذعان برخی این اصلی کلی بر همه مقررات حقوق بین‌الملل سیطره دارد و بر تمام روابط متقابل دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی حکومت می‌کند (فلسفی، حقوق بین‌الملل معاهدات، ۱۳۹۱: ۵۶۰).

از این رو جهت تبیین ماهیت حسن نیت؛ ابتدا این مفهوم در حقوق معاهدات بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته و چالش‌های موجود در آن بر شمرده شده است؛ سپس با مراجعه به آیات و مطالعات تفسیری، نگاه قرآنی در حسن نیت معاهدات تبیین شده است.

به این ترتیب سؤال اصلی پژوهش این است، جایگاه حسن نیت معاهدات در قرآن چگونه است؟ مدعا این است که قرآن کریم با بیان مسئله وفای به عهد و لوازم آن، حسن نیت (حسن فاعلی) و حسن فعلی را در مرحله پیش از ورود به معاهده، رفتار و کردار مسلمانان در مرحله اجرا و تفسیر معاهده

تبیین نموده است. ازاین‌رو اگر حسن‌نیت به معنی اجرای تعهدات از روی انصاف و صداقت باشد، بیش از مفهوم وفای به عهد را نمی‌رساند و اگر به معنی تفسیر معاهده در نظر گرفته شود نیز تعهدی در تبیین محدوده معاهده است، نه خارج از آن؛ ازاین‌رو اثر آن در سوءنیت محرز می‌شود.

۱. حسن‌نیت و کارکرد آن در معاهدات بین‌المللی

یک. مفهوم حسن‌نیت

تعریف نویسندگان حقوق از حسن‌نیت متعدد است و دلیل آن را ماهیت این اصل می‌دانند که مقوله‌ای ذهنی، کیفی و مبهم است که تعریف آن را دشوار می‌کند. برخی حسن‌نیت را رفتاری صادقانه، عاقلانه و معقول می‌دانند که طرفین در قرارداد خود از یکدیگر حتی از اشخاص ثالث که مشمول قرارداد بودند یا متعاقباً با قرارداد ارتباط پیدا می‌کننده انتظار دارند (ابراهیمی، مطالعه تطبیقی مفهوم و آثار حسن‌نیت در انعقاد تفسیر و اجرای قرارداد، ۱۳۸۸: ۶۷).

در قانون متحدالشکل تجاری آمریکا (ماده ۲۰۱-۱) این اصل عبارت است از «صداقت واقعی در رفتار یا معامله»؛ در حقوق فرانسه نیز تعریفی از آن ذکر نشده، ولی حقوقدانان دو معنای کلی برای آن در نظر گرفته‌اند: «درستکاری در اعمال حقوقی»؛ به‌طور خاص در قراردادهایی که مورد اعتماد است و «تصور اشتباه و قابل اغماض» که به‌منزله یک حق مورد حمایت واقع شده است (ر.ک: انصاری، مفهوم و معنای حسن‌نیت در حقوق ایران و فرانسه، ۱۳۸۸: ۲۴ - ۲۶).

برخی به کارکرد این اصل اشاره کرده و آن را دارای دو مفهوم مجزا می‌دانند: ۱. اعتقاد خلاف واقع که یا ناشی از جهل است یا ناشی از ظاهری فریبنده؛ این مفهوم بیانگر بعد حمایتی حسن‌نیت است که در فرض اشتباه از جانب طرف معامله جاری است؛ ۲. صداقت در عمل بیانگر بعد الزامی است که در انعقاد و اجرا و تفسیر اعمال حقوقی به کار می‌رود (جعفری، اصل حسن‌نیت در قراردادها، ۱۳۹۴: ۲۶).

همچنین در تجارت بین‌الملل این اصل را در مجموع چنین معنا می‌کنند: منصف بودن، رفتار منصفانه داشتن، منطقی و متعارف بودن، معیارهای متعارف رفتار منصفانه، صداقت در عمل و واقع، رفتار شایسته، وجدان اخلاقی (جعفرپور، حسن‌نیت در تجارت بین‌الملل، ۱۳۸۴: ۱۴۶). کلی و مبهم بودن در این تعریف نیز ملاحظه می‌شود. البته می‌توان به این موارد انعطاف‌پذیر بودن این اصل و چندبعدی بودن را افزود. برخی آن را یک حالت ذهنی مبتنی بر صداقت در عقیده یا هدف، پابندی به



تعهد و التزام در مقابل دیگری، رعایت استانداردهای تجاری متعارف، رفتار منصفانه در یک تجارت یا کسب و پیشه معین و یا فقدان قصد تقلب و تدلیس یا تحصیل امتیاز برخلاف وجدان معرفی می کنند (Garner به نقل از باریکلو و خزایی، اصل حسن نیت و پیامدهای آن در دوره‌ی پیش قراردادی؛ با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و فرانسه، ۱۳۹۰: ۵۵).

دو. حسن نیت در معاهدات بین المللی

این اصل در حقوق بین الملل در بند ۲ ماده ۴ منشور ملل متحد، بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰)، ماده ۲۶ و ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات در حوزه اجرا و تفسیر ذکر شده است. در ماده ۲۶ آمده است: «هر معاهده لازم الاجرائی برای طرف‌های آن تعهدآور است و باید توسط آن‌ها به حسن نیت اجرا گردد.»

در حقوق بین الملل با وجود کاربرد این اصل در مواد متعدد قانونی و تمسک به آن در آرای بین المللی، تعریف مشخصی از آن ارائه نشده است. حقوقدانان این حوزه با تمسک به ماده ۱۸ حقوق معاهدات، این اصل را به معنی خودداری از هر عملی که مقصود آن، این باشد که موضوع و هدف معاهده را زایل سازد؛ تعریف می کنند (ر.ک: ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹). تعریف از این اصل گسترده و مبهم است؛ زیرا خصوصیت وجه مقابل آن (مفهوم مخالف) را که سوءنیت باشد، به اندازه کافی مشخص نمی کند. اجرای حسن نیت باید به گونه‌ای باشد که هرگونه «کوشش تقلب نسبت به قانون» و هرگونه نیرنگ را از تعریف خارج کرده و به طور اثباتی وفاداری و صداقت نسبت به تعهدات را الزام کند (نگوین کک و آلن پله، حقوق بین الملل عمومی، ۱۳۸۲: ۳۵۱-۳۵۲). این تعریف نیز کاملاً انتزاعی است و باید توسط رویه بین المللی روشن شود (همان: ۳۵۲؛ ضیایی بیگدلی، حقوق معاهدات بین المللی، ۱۳۹۲: ۱۱۸). به عبارت دیگر حد واقعی حسن نیت را باید با توجه به اعمال دولت‌ها معین کرد، چنانچه دیوان بین المللی دادگستری عمل به منطوق معاهده را چنانچه آن عمل روح معاهده را نقض کند، مبین حسن نیت ندانسته است (فلسفی، حقوق بین الملل معاهدات، ۱۳۹۱: ۴۵۳).

در واقع با توجه به توسعه قلمرو حسن نیت به رفتار طرفین و منتسب کردن ویژگی اصل عمومی به آن در حقوق بین الملل این اصل می تواند منشأ تعهدات اضافی باشد یا با توجه به تفسیر مضیق از حسن نیت منشأ تعهد اضافی نباشد. دیدگاه اخیر (تفسیر مضیق) در تفسیر کنوانسیون‌های مشابه مانند کنوانسیون بیع بین المللی کالا و... تقویت می شود (جعفری، اصل حسن نیت در قراردادها، ۱۳۹۴: ۵۳).

(۵۴ -)

بنابراین معاهده با هر ترکیب و ساختاری که باشد، لزومش اقتضا دارد، طرف‌ها آن را اجرا کنند و این زمانی هدف معاهده را محقق می‌سازد که با حسن نیت اجرا شود. اجرای آن نیز مستلزم تفسیر معاهده است که در ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات به آن اشاره شده است. از سوی دیگر اثبات این حسن نیت به دلیل درونی بودن، تابع حقوق یا رفتار روان‌شناختی اوست. در صورت ظهور، فقط بر اساس ملاک‌هایی حقوقی و قضایی و به کمک اماره‌هایی قابل اثبات است که خود وضع ثابتی ندارند و به تناسب تحولات اجتماعی تغییر می‌کنند (فلسفی، حقوق بین‌الملل معاهدات، ۱۳۹۱: ۴۵۳ - ۵۶۱). درواقع حسن نیت با ویژگی انتزاعی، کلی و ارزشی بودن از رفتار صادقانه و اعتقاد یا تصور ناشی از جهل و ظاهر فریبنده در روابط حقوقی حمایت می‌کند و با تمسک به صداقت، اجرای شرافتمندانه و صادقانه تعهدات را لازم می‌داند (ر.ک: حسن، محسنی، اصل حسن نیت در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی، ۱۳۸۵: ۲۳۲). برخی نیز آن را در حوزه قراردادها چنین تعریف کرده‌اند: «انجام وظایف به‌صورت صادقانه، منصفانه و معقول که دو طرف قرارداد یا اشخاص ثالث مرتبط با قرارداد از یکدیگر انتظار دارند، همراه با اهتمام به رعایت حقوق و منافع دیگران و دوری از هرگونه سوءنیت و فریبکاری است.» (نقیبی، تقی زاده و باقری، جایگاه حسن نیت در فقه امامیه، ۱۳۹۳: ۳۳ - ۳۵) در این تعریف نیز سعی شده است، به جوانب حمایتی و الزامی قرارداد تأکید شود.

به نظر می‌رسد، با توجه به کارکرد این اصل آنچه در حقوق معاهدات موردتوجه باشد، همان صداقت و درستکاری است که نتیجه آن التزام طرفین به معاهده است؛ همچنین اهمیت این اصل در معاهداتی که دارای ماهیت مستمر هستند، بیشتر آشکار است؛ چون زیربنای ایجاد و تداوم یک رابطه مستمر قراردادی بر عهده طرفین یا اطراف معاهده است. ازاین‌رو برای شناخت حسن نیت در معاهدات به ارتباط آن با وفای به عهد که خود نیز اصلی مهم در حقوق معاهدات است، اشاره می‌شود.

سه. ارتباط حسن نیت با وفای به عهد

برخی حقوق‌دانان این دو اصل را مکمل و به یکدیگر بسته و پیوسته می‌دانند، به‌گونه‌ای که دو وجه مکمل یک اصل را تشکیل می‌دهند (نگوین کک و آلن پله، حقوق بین‌الملل عمومی، ۱۳۸۲: ۳۵۰؛ ضیایی بیگدلی، حقوق معاهدات بین‌المللی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در ماده ۲۶ حقوق معاهدات ۱۹۶۹ این دو اصل را در کنار یکدیگر ذکر کرده است و تلاش دارد، محتوای معاهده به بهترین شکل صورت اجرایی یابد و نهایت استحکام را در حفظ معاهده از ابتدا تا اتمام اجرا کند.



برخی نیز بر اساس رویه قضایی دیوان بین المللی دادگستری، قواعدی مانند وفای به عهد را برگرفته از حسن نیت می‌دانند (الهویی نظری و محمدی، تحلیل ابعاد حسن نیت در حقوق بین الملل در پرتو رویه قضایی، ۱۳۹۴: ۱۰۰). برخی نیز برعکس، حسن نیت را برگرفته از وفای به عهد می‌دانند (ر.ک: Connor O به نقل از باریکلو و خزایی، اصل حسن نیت و پیامدهای آن در دوره‌ی پیش قرارداد؛ با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و فرانسه، ۱۳۹۰: ۵۵). وجود ارتباط عمیق بین حسن نیت و وفای به عهد در معاهده، تعریف آن را در حقوق معاهدات از دو بعد تبیین می‌کند، از بعد ذهنی و عینی. در بعد ذهنی، معنای حسن فاعلی و صداقت در انجام تعهد داشته باشد؛ و در بعد عینی، رفتار صادقانه مبنی بر اجرای معاهده داشته باشد. به عبارت دیگر، متعهد به اجرای موضوع معاهده باشد، به طوری که هدف معاهده حفظ و به آن نائل آید؛ همچنین این معنی در تفسیر و تحلیل معاهدات نیز اعمال می‌شود. در ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات آمده است: «یک معاهده به حسن نیت و منطبق با معنای معمولی ای که باید به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسیر خواهد شد.»

بنابراین وجود رابطه عموم و خصوص مطلق یا عموم و خصوص من وجه بنا به دیدگاه حقوقدانان در هر یک از این دو اصل و نبود تباین بین آن دو نشان می‌دهد، باید به دو جنبه اساسی در حسن نیت از این رابطه توجه داشت: نخست، رفتار صادقانه طرف معاهده حاکی از عملکرد او نسبت به معاهده است؛ دوم، تعهد او نسبت به حسن اجرای معاهده بیانگر مسئولیت‌پذیری او در عمل به تعهد است. در واقع از یک سو رفتار، مقوله‌ای ذهنی نیست که قابل احراز نباشد، بلکه عملکرد متناسب با هدف و موضوع معاهده است؛ و از سوی دیگر، تعهد به اجرا نیز امری خارجی نیست، بلکه التزام درونی و وجدانی است. از این رابطه می‌توان نتیجه گرفت، رفتار صادقانه به همراه تعهد توأم تشکیل‌دهنده حسن نیت است.

بالین وجود در خود معاهده اثری از این تعهد و بیان رفتار آن دیده نمی‌شود بلکه حسن نیت با این معنا بر معاهده سایه افکنده است و به صورت شرط ضمنی مقرر در همه معاهدات ذکر شده است. ضرورت این امر زمانی آشکار می‌شود که در مواد حقوقی متعددی که در بالا اشاره شد، حسن نیت را گنجانده است.

رفتار صادقانه + نبود سوءنیت = تعهد وجدانی به اجرا حسن نیت در اجرای معاهده
نبود سوءنیت + تعهد به تفسیر مطابق قانون = حسن نیت در تفسیر معاهده

۲. اصل حسن نیت در معاهدات از منظر قرآن

عبارت «حسن نیت» صراحتاً در قرآن ذکر نشده است. در روایات مواردی با عبارت صریح «حسن النية» در باب العبادۃ یا باب النية منابع حدیثی ذکر شده است (ر.ک: برقی، المحاسن، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۶۱؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲/ ۸۴). در فقه در بحث عبادات، حسن فاعلی مطرح شده است؛ زیرا در عبادات قصد قربت یا به عبارت دیگر نیت شرط است و این نیت در نیکوترین وجه، اطاعت خداوند و عمل برای اوست.

در باب معاملات نیز مصطلح فقهی نبوده و فقها آن را در مباحث خود مطرح نکرده‌اند. عباراتی مثل «الداعي إلى المعاملة» (حسینی شیرازی، الفقه والقانون، ۱۴۱۹: ۲۳۰)؛ به عنوان معیار اخلاقی و شرعی در معاملات مطرح شده است. به نظر برخی فقها، داعی یا انگیزه در لزوم و صحت معامله تأثیری ندارد (حسینی روحانی قتی، فقه الصادق، ۱۴۱۲: ۲۵/ ۴۸)؛ اما در نگاه برخی دیگر، بحث قصد و نیت سرفصلی برای مباحثی در فقه است که پشتوانه آن را روایات تشکیل می‌دهند (ر.ک: انصاری، المکاسب، ۱۳۷۹: ۱/ ۴۸؛ مکارم شیرازی، انوارالفقاهه، ۱۴۲۶: ۱۱۱).

در مجموع می‌توان به مواردی اشاره کرد که فقه به عمل مکلف جنبه حمایتی داده است. به عبارت دیگر، اگر عمل مکلف ناشی از خیانت، فریب، حيله، خدعه یا به طور کلی سوءنیت شمرده شود، با توجه به موضع مطرح شده، شارع جنبه حمایتی را از او لحاظ خواهد نمود. مباحثی مانند عدم خیانت امین در فرض خیانت، عمل مضطر و مکروه؛ و در بحث عقود مباحثی مانند پرهیز از غش، تدلیس، نجش، تطفیف و... (ر.ک: طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه، ۱۳۸۷: ۲/ ۱۵۹؛ حلی، شرائع الإسلام، ۱۴۰۸: ۲/ ۲۶۶؛ موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۱۴۱۹: ۲/ ۲۰)؛ ظهور در سازگاری اصل حسن نیت با فقه امامیه دارد. همچنین می‌توان قواعد فقهی مانند قاعده احسان، غرور و اصاله الصحه که اقوال و اعمال مسلمانان را بر صحت حمل می‌کند، ناشی از این موضوع دانست (ر.ک: نراقی، عوائد الایام فی بیان قواعد الأحکام، ۱۴۱۷/ ۲۲۴؛ مصطفوی، مائة قاعدة فقهیه، ۱۴۲۱: ۲۸).

با توجه به ریشه دار بودن این مسئله می‌توان گفت: ابعاد حمایتی شارع از مکلف و درستکاری و صداقت او در عمل، گواه بر وجود حسن نیت در این مسئله است؛ بنابراین حسن نیت از نگاه دین نیز هم در بعد نیت، قصد و انگیزه و هم در بعد رفتار و کردار باید دیده شود.

یک. حسن نیت در معاهده با ضرورت حسن فاعلی

برای بررسی لزوم و ضرورت حسن نیت در معاهده سه مقدمه ضروری است:



۱. در اسلام نه تنها حسن فعلی مدنظر است، بلکه به حسن فاعلی نیز توجه شده است (ر.ک: محمدی، شرح کشف المراد، بی تا: ۲۲۰)؛ از طرفی حسن فاعلی نیز ناظر به اثر خارجی نیست، بلکه به نوع ارتباط عمل با فاعل است؛ یعنی برای اینکه کار دارای اثر مفید و موجب سعادت شود، باید فاعل بداند با چه نیت و به چه منظور و هدفی و برای وصول به چه مقصدی اقدام کرده است. از این رو اگر فعل فاعلی قبیح نباشد، ولی نیت پلید و خبیثانه داشته باشد، در اصطلاح علم اصول به آن تجری گویند و تجری قبیح فاعلی دارد (همو، شرح رسائل، ۱۳۸۷: ۱/ ۴۲)؛ پس ارزش کار ارادی تابع انگیزه و نیت فاعل است و حسن فعلی بدون حسن فاعلی تأثیری در تکامل روح و سعادت ابدی نخواهد داشت (ر.ک: مصباح یزدی، آموزش عقاید، ۱۳۸۷: ۳۷۰)؛ بنابراین مقدمه اول این است که برای ارزشمند بودن و مفید بودن، اجتماع حسن فعلی و فاعلی لازم است.

۲. اعمال و افعال از دیدگاه فقهی نیز دو قسم اند: یا از تعبدیات هستند؛ یعنی آنهایی که قصد قربت در آن‌ها معتبر و شرط صحت عمل است؛ یا از توصیلات هستند که عبارتند از اعمالی که غرض اصلی در آن‌ها انجام خود عمل و پیکره آن است و قصد مهم نیست، بلکه به هر قصدی بجا آورده شود، غرض حاصل شده و امر از دوش انسان برداشته می شود، منتها اگر قصد قربت و امتثال امر نماید، به ثواب هم می رسد (محمدی، شرح کشف المراد، بی تا: ۵۳۴). از آنجا که هدف در توصیلات انجام خود عمل و اصل طبیعت عمل است، نیازمند به نیت به خصوصی از قبیل قصد تعیین و قصد قربت و قصد وجه نیست (سمیعی، شرح کامل رسائل شیخ انصاری، ۱۳۸۷: ۹/ ۸۹).

۳. توجه به اینکه در توصیلات قصد قربت شرط صحت عمل نیست، در مواردی مانند معاهدات آیا وجود مقاصد دیگر را می توان نفی کرد؟ یا وجود آنها در ضمن معاهده شرط نیست؟ در فقه مواردی را می توان یافت که معامله با توجه به نقش قصد، حکم متفاوت پیدا کرده است: به عنوان مثال اگر معامله ای کمک به حرام باشد، در اینکه قصد به انجام آن چه تأثیری در این معامله دارد؟ می توان اقوال فقها را در این زمینه به سه دسته تقسیم کرد:

یک. فقهایی که قصد را در حقیقت اعانه دخیل می دانند (ر.ک: حلی، شرایع الاسلام، ۱۴۰۸: ۲/ ۴؛ کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۴۱۴: ۱۵/ ۴؛ انصاری، المکاسب، ۱۳۷۹: ۱/ ۴۹؛ نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴: ۲۲/ ۳۰ - ۲۹، حسینی عاملی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، ۱۴۱۹: ۱۷/ ۱۱۷ - ۱۲۴؛ خمینی، المکاسب المحرمه، ۱۴۲۱: ۱/ ۲۱۲).

دو. فقهایی که قصد را در مفهوم اعانه دخیل نمی دانند (ر.ک: طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۳۷۶: ۶/ ۶).

۳۷۲؛ حلی مختلف الشیعه، ۱۴۱۲/۳۴۳؛ خویی، مصباح الفقاهه، بی تا: ۱/۱۷۶).

سه. فقهایی که در پذیرش یا عدم پذیرش قصد، قائل به تفصیل شده اند که در نوع تفصیل دیدگاه متفاوتی دارند:

نخست: اگر قصد به معنی اراده و اختیار باشد، ملازم علم معتبر است. از این رو وقتی به وقوع حرام، علم ندارد، فعل معین (کمک دهنده) حرام نیست، چون اعانه بدون قصد صادق نیست و بر فرض صدق اعانه حرمتش منجز نیست، چون علم نیست. در نزاع قصد به این معنا ثمره ای مترتب نیست؛ اما اگر قصد به معنی انگیزه و غرض باشد، در اعتبارش اختلاف وجود دارد که ظاهراً این قصد نیز معتبر نیست (ر.ک: حسینی روحانی قمی، فقه الصادق علیه السلام، ۱۴۱۲: ۱۷/۱۷۷)

دوم: تفصیل دیگری که مهم تر به نظر می رسد، این است که اگر مقدمه بعد از اراده گناه و عزم بر آن فعل باشد، به عبارتی جزء اخیر علت تامه باشد، مانند دادن تازیانه به ظالم برای زدن، وجود یا عدم قصد در آن تأثیری ندارد؛ اما اگر مقدمه از مبادی اراده باشد و جزء اخیر علت تامه نباشد، مانند کاشتن درخت انگور به قصد درست کردن خمر، متوقف بر قصد است (ر.ک: فاضل لنکرانی، القواعد الفقهیه، ۱۴۱۶: ۴۵۱). برای همین شیخ انصاری که اعانه را بر مبنای قصد تعریف می کنند، درجایی که مقدمه مشترک بین حرمت و عدم حرمت باشد، احراز قصد را لازم می دانند (انصاری، المکاسب، ۱۳۷۹: ۴۹/۱ - ۵۳).

بنابراین بعد از انعقاد معاهده، توجه به مقتضای معاهده با به جا آوردن مفاد یا پایبندی به محتوای آن در معنای «اوفوا بالعقود» می گنجد؛ یعنی نقش عملیاتی فاعل آشکار می شود که این امر را به انتها برساند و انگیزه او همان هدف نهایی است که دنبال می کند. با توجه به اهمیت قصد در معاملات و معاهدات می توان گفت: حسن نیت جنبه تأکیدی بر قصد خواهد بود و احراز سوء نیت بر پایداری معامله اثر خواهد داشت، این یعنی بعد سلبی قصد که در معاهده می تواند مجوز فسخ آن را فراهم آورد. از این رو ضرورت آن در بعد سلبی نمایان می شود که در قسمت بعد به آثار آن اشاره خواهد شد.

دو. حسن نیت فاعل با حسن عمل

در قرآن کریم، عمل بر طبق شاکله مطرح شده است: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (اسراء/۸۴)؛ در روایات واژه «شاکله» به نیت تفسیر شده است (ر.ک: کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۶/۲). در واقع برای هر عملی صورت و پایه و مقرری است که پایه بر آن استوار است، پس سقف عمل عبارت از صورت عمل است و پایه آن نیت عمل کننده و مقر آن شأن عمل کننده است



که مقتضی آن نیت است، پس عمل به وسیله نیت به وجود می آید و از شأن عامل داشتن نیت است که استقرار عمل بر آن است، چه عمل مبتنی بر نیت و نیت بر شأن عامل استوار است (ر.ک: گنابادی، بیان السعادة فی مقامات العبادة، ۱۳۷۲: ۶/ ۲۴۹)؛ از این رو نیت خیر، حسن عمل فاعل را می رساند. آیاتی که بنای مسجد را بر اساس تقوا مطرح می کند: ﴿لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...﴾ (توبه/ ۱۰۸)؛ بنای مسجد بر اساس تقوا به نیت سازندگان آن است، چون تقوا حاصل نیت پرهیزکار است؛ برای همین برخی مفسران بیان کردند: مقصود مبالغه در حسن نیت و خلوص عقیده بانیان مسجد است (جرجانی حسینی، تفسیر شاهی، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۶۱).

آنچه از آیات قرآن در زمینه حسن نیت می توان فهمید، این است که حرکت انسان موحد به سوی کمال اقتضای آن را دارد که اعمال و نیت او وجهه الهی داشته باشد؛ و حسن فعلی و فاعلی او را در این مسیر کمک می کند. همچنین زندگی اجتماعی بشر قوانین اخلاقی و حقوقی را در کنار هم لازم دارد و نمونه های فراوان قرآنی گواه بر این است. اگر امر به وفای به عهد دارد، تشویق و ترغیب نیز دارد. اگر ناقض عهد را مسئول می داند، محرومیت وجدانی و اخلاقی را نیز برای او در نظر دارد. معاهدات در قرآن بحث حقوقی صرف نیست، بلکه رویکردهای اخلاقی از این قبیل نیز در آن راه دارد. از مجموع آیات مختلف قرآن می توان به اهمیت حسن نیت در تداوم و رسیدن به هدف نهایی معاهده را متذکر شد و اثبات آن به عنوان جزئی از شرایط معاهده از طریق آیات به دست نمی آید.

سه. صداقت رفتار در عهد

صداقت در رفتار در مقابل آن خیانت، خدعه، تقلب، ایجاد ضرر برای دیگری است؛ در قرآن کریم آمده است: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ (احزاب/ ۲۳).

راغب، صدق را چنین معنا می کند: مطابقت قول با نیت و ضمیر و یا چیزی است که از آن خبر داده شده است و این هر دو با هم است؛ یعنی (صدق نیت و صدق مورد خبر) و هرگاه یکی از این دو شرط نباشد و جدا شود، آن سخن به تمامه صدق نیست؛ بلکه یا به صدق توصیف نمی شود و یا گاهی به سخن راست و زمانی به سخن دروغ وصف می شود (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۴۱۲: ۲/ ۳۸۳). در ضمن آیه سخن از بحث عهد و پیمان مطرح است و تعهد و ثبات قدم گروهی از مؤمنان بر عهد و نیز اثبات صداقت خود در این زمینه نشانه این است که از همان اول بنای بر خیانت و پیمان شکنی و خدعه نداشتند و این با عبارت «صَدَقُوا» تبیین می شود. حتی در آیه بعد ﴿لِيَجْزِيَ اللَّهُ

الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ» (احزاب/ ۲۴)؛ روی سخن با همین مؤمنان است که نتیجه نیت و عملشان نزد خدا دارای پاداش باشد.

در عبارت «صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» برخی از مفسران می‌گویند: مقصود از این عهد این بود که هر وقت به دشمن برخوردند، فرار نکنند و پیامبر ﷺ را تنها نگذارند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۳۲۹/۸)؛ شاهد اینکه محاذاتی است که آیه مورد بحث با آیات پیشین دارد «وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الدِّبَارَ» (احزاب/ ۱۵)؛ «قبلاً با خدا عهد کرده بودند که پشت به دشمن نکنند.» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۱۶/۴۳۵).

دیدگاه برخی نیز این است: یک، بیعت در عدم فرار از جنگ؛ دو، محافظت از جان پیامبر ﷺ در جنگ؛ سه، پذیرش ولایت ائمه هدی (شاه‌عبدالعظیمی، تفسیر اثنا عشری، ۱۳۶۳: ۱۰/۴۳۰)؛ و نیز مقصود از عهد، جهاد فی سبیل الله بوده است. انسان مسلمان باید از جمیع جهات، به پیامبر اسلام ﷺ تاسی و اقتداء نماید و چون یکی از خصال و صفات پسندیده رسول الله ﷺ این بود که هرگاه عهد و پیمانی با خدا، یا با دیگری می‌بست، به آن وفا می‌کرد. از این رو خدای سبحان این دسته از مؤمنان را که به عهد خود وفا کردند، در این آیه مورد ستایش قرار داده و می‌فرماید: بعضی از مؤمنان که رجال صدق و صداقت بودند، به آن عهد و پیمانی که با خدا بسته بودند، راستگو درآمدند؛ زیرا بعضی از آن‌ها به عهد و پیمان خویشتن که شهادت در راه خدا بود، وفا کردند. «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ» و گروه دیگری از آنان که هنوز وقت شهادتشان فرانسیده، در انتظار آن به سر می‌برند و کوچک‌ترین تبدیل و تغییری در تعهد خویشتن ندادند (نجفی خمینی، تفسیر آسان، ۱۳۹۸ ق: ۱۶/۸۵).

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد، گرچه این آیه و آیات قبل آن درباره جهاد است؛ اما به‌طور کلی می‌توان گفت: عمل به عهد از روی صداقت در همه پیمان‌ها جاری است و در موضوعی مانند جنگ به خاطر اهمیت مسئله اولویت ویژه پیدا می‌کند. مهم این است که طرف معاهده صدق خود را در عمل به اثبات برساند. نکته دیگر اینکه معمولاً در مقابل رعایت پیمان‌ها و التزام به آن‌ها بین انسان‌ها این است که طرفین معاهده مدح می‌شوند یا حداقل مذمت نمی‌شوند؛ بنابراین صداقت در اینجا معنای عام رفتار متعارف در مقابل معاهده است و نیت صادقانه در اینجا نسبت به عهد جنبه ترغیبی و تشویقی دارد و وجود آن در اصل معاهده جز همان وفای به تعهد را نمی‌رساند. از این رو صداقت در عمل و رفتار جزء شرایط معاهده نبوده و بعد از التزام به عهد و عمل به مقتضای معاهده، رفتار طرف عهد مورد ستایش قرار گرفته است. همچنین این رفتار حاکی از تعهد عامل به اجرای عهد



است.

چهار. سوءنیت در معاهده

سوءنیت که نقطه مقابل حسن نیت است، به معنی نبود صداقت در رفتار، خدعه و خیانت و اراده متقلبانه است. در قرآن از یک سو خیانت در معاهده مطرح شده و خائن را مورد مذمت قرار داده است و از سوی دیگر این عمل را بر معاهده دارای اثر می داند.

«وَمَا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (الانفال/۵۸)؛ «و اگر از گروهی بیم خیانت داری [پیمانشان را] به سویشان بینداز [تا طرفین] به طور یکسان [بدانند که پیمان گسسته است]، زیرا خدا خائن را دوست نمی دارد.»

خیانت، مخالفت با حق و پیمان شکنی در پنهان است و نقطه مقابل آن، امانت است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۴۱۲: ۱/۶۵۱). برخی مفسران منظور از خیانت در آیه را نقض عهد یا پیمان شکنی می دانند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۰: ۱۰/۲۴۷). برخی آن را عام تر ذکر می کنند که عبارت است از نقض هر حقی که قرارداد شده باشد، چه در عهد و چه در امانت (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۹/۱۴۹)؛ از این رو معنای آیه این است: اگر از قومی که میان تو و ایشان عهدی استوار گشته، ترسیدی که در عهدت خیانت کرده و آن را بشکنند و ترس از این جهت بود که دیدی آثار آن در حال ظهور است، تو نیز عهد ایشان را نزد ایشان بینداز و آن را لغو کن و لغویت آن را به ایشان اعلام هم بکن تا شما و ایشان در شکستن عهد برابر هم شوی (همان: ۹/۱۵۰؛ زمخشری، الکشاف، بی تا: ۲/۲۳۱)؛ بنابراین ظهور آثار خیانت و سوءنیت در عهد و پیمان برخوردی مانند لغویت پیمان دارد و از درگاه الهی هم مطرود است.

نکته مهمی که در این قسمت وجود دارد، این است که وجود سوءنیت در معاهده بر روابط طرفین اثر می گذارد. سوءنیت ممکن است، نسبت به محتوای معاهده و شرایط آن یا نسبت به اصل معاهده باشد و اثر آن را در دو قسمت می توان بررسی کرد نخست، جواز فسخ یا به عبارتی مقابله به مثل؛ دوم، الغای یک جانبه معاهده با احراز شرایط.

الف. جواز فسخ

در آیه ۵۸ سوره انفال که در بحث قبل اشاره شد، موضوع خیانت در معاهده مطرح شده است که منظور از خیانت در این آیه، پیمان شکنی است و «نبذ»، خبر دادن به کسی است که آگاه نیست و

«سواء» به معنای عدل است و معنای دیگرش، مساوی بودن در علم است؛ یعنی طرفین معاهده آگاه باشند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۵/ ۱۴۴؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۰: ۱۰/ ۲۴۶). در جای دیگری به معنای مقابله به مثل است؛ یعنی همان گونه که آنان در فکر توطئه و پیمان شکنی اند، شما هم پیمان را لغو کنید (قرآنی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۴/ ۳۴۹)؛ بنابراین مقصود آیه این است که اگر بیم داشته باشی، قومی که با تو پیمان بسته اند، پیمان را بشکنند و در صدد خیانت برآیند، پیمان خود را به روی آنان بیفکن و به آنان اعلام کن که تو هم پیمان آنان را شکسته ای و از لحاظ علم به نقض، یکسان باشید.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان اشاره می کند: ترس از این جهت که آثار نقض در حال ظهور است؛ تو نیز عهد ایشان را لغو کن و لغویت آن را به ایشان اعلام کن تا شما و ایشان در شکستن عهد برابر هم شوید و تا اینکه تو در علامت، مستوی و استوار شوی؛ چون این از خود عدالت است که با ایشان معامله به مثل کنی (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۹/ ۶۵۰ - ۶۴۹)؛ به تعبیر برخی از مفسران طریقه متعادلی را در دشمنی در پیش گیرند (کاشانی، زبدة التفاسیر، ۱۴۲۳: ۳/ ۵۶).

در دو آیه اخیر دو دستور الهی مطرح شده است: امر به قتال و برخورد جدی با عهدشکنان و دستور به نقض قرارداد که هر دو متضمن حکم جواز مقابله با نقض معاهده است؛ این تضمن، هم از برخورد قاطع رهبر مسلمانان با پیمان شکنان فهمیده می شود و هم از اینکه در صورت آشکار شدن علان نقض باید لغویت معاهده را اعلام نماید. با اینکه اصل اولی در عدم نقض معاهده است؛ اما ظهور قراین نقض معاهده، استمرار تعهد طرف مقابل را بر معاهده از بین می برد و جواز مقابله به مثل را فراهم می کند.

ب. جواز الغای یک جانبه معاهده با احراز شرایط

لزوم وفای به عهد ایجاب می کند، طرفین تا اتمام معاهده، بر انجام آن متعهد باشند؛ اما گاهی شرایطی احراز می شود که یک طرف معاهده می تواند معاهده را نقض کند. یکی از این شرایط مهم، ظهور قرائن نقض معاهده است؛ چنان که آیه ۵۸ سوره انفال بر آن دلالت دارد.

واژه خوف در آیه عبارت است از انتظار داشتن امر ناخوشایند از روی نشانه های غیر معلوم (ظنی) یا معلوم (راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۳۰۳). در آیات متعددی از قرآن، خوف در معنای علم و آگاهی یا ظن قوی به کار رفته است که امارات آن آشکار است (ر.ک: حسینی



شاه‌عبدالعظیمی، تفسیر اثنا عشری: ۲/ ۴۲۳)؛ مانند آیه ۳۴ سوره نساء در بحث نشوز زن و آیه ۱۲۸ سوره نساء در بحث نشوز مرد و همچنین در آیه ۵۸ انفال نیز چنین دلالت معنایی وجود دارد. قرینه متصل آن آیات قبل از آیه ۵۸ است که در بحث نقض معاهده مطرح شده است. دیدگاه کثیری از مفسران از خوف در این آیه شریفه بر درک و علم است یا امارت قطعی بر نقض عهد وجود دارد (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، تفسیر اثنا عشری، ۱۳۶۳: ۴/ ۳۶۵؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۵: ۳۱۱/۲؛ مغنیه، تفسیر الکاشف، ۱۴۲۴: ۳/ ۴۹۹)؛ همچنین وجود واژه خیانت در آیه، قرینه متصل دیگری است و آن علم و آگاهی از خیانت طرف مقابل است. خیانت نیز در اینجا به معنی پیمان‌شکنی یا خیانت با نقض عهد روشن می‌شود. وجود «ما» بر ادات شرط در «وَأَمَّا تَخَافَنَّ» و آیه قبل از آن و ملحق شدن نون تأکید جهت مبالغه در لزوم جزاست؛ یعنی اگر قطعاً می‌ترسی از گروهی که عهد و پیمان بسته بودند (گنابادی، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، ۱۳۷۲: ۶/ ۶۹).

وجود قرائن متصله نشان می‌دهد، ترسی که در اینجا وجود دارد، همان ادراک خیانت و آگاهی بر آن است؛ بنابراین اگر آیاتی که در آن‌ها خوف به معنای آگاهی و علم است، ملاحظه شود، شیوه مقابله با آن در آیه بیان شده است. به عبارت دیگر اقدام عملی برای رفع آن ترس ذکر شده است. در آیه مورد بحث نیز راهکار مقابله با این ترس یا اقدام عملی در آن وجود دارد و آن با واژه «فَأَنذِرْ إِلَهُمَّ» آشکار می‌شود: «و اگر از خیانت و پیمان‌شکنی گروهی [که با آنان هم‌پیمانی] بیم داری، پس به آنان خبرده که [پیمان] به صورتی مساوی [و طرفینی] گسسته است؛ زیرا خدا خائن را دوست ندارد» (انصاریان، ترجمه قرآن، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۸۴).

بنابراین جمله «وَأَمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٍ»؛ یعنی اگر خوف خیانت از قومی که با ایشان پیمان بسته‌ای را دارید، با اعلام الغا، پیمان را نقض کن. منظور از خوف، ظهور نشانه‌هایی است، از اینکه امری خطرناک و لازم‌الاحتراز در شرف وقوع است (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۹/ ۱۴۰)؛ همچنین برخی اشاره می‌کنند که این ترس (خوف) بی‌دلیل نخواهد بود. حتماً در زمینه‌ای است که آن‌ها مرتکب اعمالی می‌شوند که نشان می‌دهد، در فکر پیمان‌شکنی و زدوبند با دشمن و حمله غافلگیرانه هستند. این مقدار از قرائن اجازه می‌دهد که پیامبر ﷺ پیمان را لغو شده اعلام نماید (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۷/ ۲۱۸)؛ با اینکه اصل، عدم نقض معاهده است، مگر خوف خیانت باشد و به دلالت التزامی، جواز الغای یک‌جانبه معاهده، آشکار می‌شود (شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، ۱۴۰۷: ۳/ ۳۶). دیدگاه برخی نیز این است: لازم نیست که دشمن خیانتی را انجام داده باشد،

بلکه اگر احتمال قوی خیانت وجود داشته باشد، لازم نیست تا به آن وفا شود (مرادخانی، معاهدات بین‌المللی و شرایط و احکام آن، ۱۳۹۸).

یکی دیگر از موارد الغای یک‌جانبه معاهده، در سوره توبه است و آن اعلام بیزاری خدا و رسولش به مشرکانی است که مسلمانان با آن‌ها عهد بسته‌اند: «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ». اسلام با این همه تأکید بر حفظ وفای به پیمان، چگونه به پیامبر ﷺ اجازه می‌دهد، پیمان خود را بشکنند؟

صاحب تفسیر نور الثقلین اشاره می‌کند که این جواز نقض، به یکی از سه وجه است: یک، این پیمان مشروط بود، به اینکه باقی باشد تا خداوند با وحی آن را بردارد؛ دو، یا اینکه از مشرکان خیانت ظاهر شد؛ سه، یا اینکه مدت آن پیمان به سر آمده بود (عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۴۱۵: ۲/۱۷۶). در تفسیر مجمع‌البیان نیز آمده است که روایت شده مشرکان پیمان خدا را شکستند یا تصمیم به نقض آن گرفتند. خدای سبحان به پیامبرش دستور داد، آن را بشکنند (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۰: ۹/۱).

استثنایی در آیه «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (توبه/۴)؛ وجود دارد و در آن حفظ پیمان گروهی از مشرکان را یادآور می‌شود. این برای آن بود که آن‌ها به جنگ با مردم باایمان اقدام نکردند؛ پیمان رسول خدا ﷺ را نقض نکردند و نه مستقیم و نه غیر مستقیم عهد را شکسته‌اند؛ چون اضافه جمله «وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا» به جمله «لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا» بیان دو قسم نقض است: یعنی مستقیم و غیر مستقیم؛ مستقیم مانند کشتن مسلمانان و غیر مستقیم مانند کمک نظامی به کفار بر ضد مسلمانان (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۹/۲۰۱).

همچنین فحوای آیه ۹۱ سوره نحل در ابتدا امر به لزوم معاهده می‌کند و در ادامه اشاره دارد که ایمان، عقدها و پیمان‌ها را بعد از محکم شدن نقض نکنید: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا...» (نحل/۹۱)؛ خداوند از پیمان‌شکنی نهی کرده و مقصود از پیمان‌شکنی آن است که بعد از محکم کردن با سوگند، کاری کند که خلاف مقتضای پیمان باشد (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۳۶۰: ۱۴/۴۰؛ گنابادی، بیان السعادة فی مقامات العبادة، ۱۳۷۲: ۸/۱۷۸).

بنابراین وفای به عهد ایجاب می‌کند تا مدتی که معاهده برقرار است، هیچ‌یک از طرفین نقض عهد نکنند و نیرنگ و خیانت به کار نبرند. تعلیل انتهایی آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» هشدار است بر



طرفین معاهده؛ هم کسانی که شروع به نقض کردند و هم کسانی که بدون اعلام، معاهده را الغا کردند. ازاین‌رو خداوند خیانت‌کاران (ناقضان عهد) را دوست ندارد و عملشان را نمی‌پسندد.

نتیجه

اصل حسن نیت، در اجرا و تفسیر معاهدات بین‌المللی پذیرفته شده است و در کنار اصل وفای به عهد کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ گنجانده‌اند تا تابعان حقوق بین‌الملل رفتار و عملکرد خود را بر این پایه قرار دهند.

با توجه به آنچه از آیات قرآن در زمینه حسن نیت در معاهدات موردبررسی قرار گرفت: حسن نیت رفتار و عملکرد صادقانه و عاقلانه طرفین نسبت به اجرا و تفسیر معاهده است. درواقع اصلی تأکیدی است؛ یعنی قدرت الزام‌آوری در پابندی به معاهده از سوی طرف‌ها را بیشتر می‌کند و بر شدت لزوم و استحکام معاهده می‌افزاید؛ بدون اینکه تعهد اضافی و شرط به حساب آید. در صورت رفتار خائنانه نسبت به معاهده یا احراز سوءنیت در اجرا می‌تواند زمینه فسخ معاهده را فراهم آورد. همچنین این اصل تأکیدی بر تفسیر معاهده بر مبنای مصلحت طرفین است. ازاین‌رو رویکرد اخلاق‌مداری قرآن در حوزه تشریعات و قوانین نیز جاری است و حسن نیت نه تنها در اجرا که در مرحله پیش از انعقاد معاهده نیز مطرح است. از سوی دیگر لزوم پابندی به معاهده تعهد اضافی نسبت به آن ایجاد نمی‌کند، بلکه بر وفای به همان عهد تأکید می‌ورزد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، انتشارات اسوه، قم: ۱۳۸۳.
۲. ابراهیمی، یحیی، «مطالعه تطبیقی مفهوم و آثار حسن نیت در انعقاد، تفسیر و اجرای قرارداد»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۱، ۱۳۸۸.
۳. انصاری، علی، «مفهوم و معنای حسن نیت در حقوق ایران و فرانسه»، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۳، شماره ۴، ۱۳۸۸.
۴. انصاری، مرتضی، مکاسب، مطبوعات دینی، قم: چاپ ششم، ۱۳۷۹.
۵. باریکلو، علیرضا؛ خزایی، سید علی، «اصل حسن نیت و پیامدهای آن در دوره ی پیش قراردادی؛ با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و فرانسه»، مجله حقوق دادگستری، شماره ۷۶، ۱۳۹۰.
۶. جعفرپور، کورش، «حسن نیت در تجارت بین الملل»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۳۸۴.
۷. جعفری، علی، اصل حسن نیت در قراردادها، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم: ۱۳۹۴.
۸. حسینی عاملی، سید جواد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، مصحح: محمداقبر خالصی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم: ۱۴۱۹.
۹. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح، تفسیر شاهی، انتشارات نوید، تهران: ۱۴۰۴.
۱۰. حسینی روحانی قمی، سید صادق، فقه الصادق علیه السلام، دار الکتاب، قم: ۱۴۱۲ هـ ق.
۱۱. حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه و القانون، مرکز الرسول الأعظم صلی الله علیه و آله و سلم، للتحقیق و النشر، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۱۹ هـ ق.
۱۲. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الإسلام، مؤسسه اسماعیلیان، قم: چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ ق.
۱۳. خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران: ۱۴۲۱.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، تقریر: محمدعلی توحیدی، بی جا: بی تا.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار القلم، بیروت: ۱۴۱۲ ق.



۱۶. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتاب العربی، بیروت: ۱۴۰۷ ق.
۱۷. سمیعی، جمشید، شرح کامل رسائل شیخ انصاری، خاتم الانبیاء، اصفهان: چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
۱۸. شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنا عشری، انتشارات میقات، تهران: ۱۳۶۳ ش.
۱۹. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، گنج دانش، تهران: ۱۳۹۲.
۲۰. طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعة مدرّسین حوزه علمیّه، ۱۳۷۴.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فراهانی، تهران: ۱۳۶۰.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران: چاپ سوم، ۱۳۸۷ هـ ق.
۲۳. عروسی حویزی عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم: ۱۴۱۵.
۲۴. فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیة، چاپخانه مهر، قم: ۱۴۱۶.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، نشر هجرت، قم: ۱۴۰۹.
۲۶. فلسفی، هدایت الله، حقوق بین المللی معاهدات، فرهنگ نشر نو، تهران: چاپ سوم، ۱۳۹۱.
۲۷. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، انتشارات الصدر، تهران: چاپ دوم، ۱۴۱۵.
۲۸. کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسن، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم: چاپ دوم: ۱۴۱۴.
۲۹. کاشانی، ملا فتح الله، زبدة التفاسیر، بنیاد معارف اسلامی، قم: ۱۴۲۳.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران: چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق.
۳۱. گنابادی، سلطان محمد، بیان السعادة فی مقامات العبادة، ترجمه: رضا خانی، حشمت الله ریاضی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران: ۱۳۷۲.
۳۲. محسنی، حسن، «اصل حسن نیت در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی»، نشریه حقوق تطبیقی، شماره ۱، ۱۳۸۵.

۳۳. محمدی، علی، شرح کشف المراد، دارالفکر، بیروت: بی تا.
۳۴. — شرح رسائل، دارالفکر، قم: ۱۳۸۷.
۳۵. مرادخانی، حسن، معاهدات بین المللی و شرایط و احکام آن، روزنامه کیهان، ۲۷ خرداد ۱۳۹۸.
۳۶. مصطفوی، سید محمدکاظم، مائة قاعدة فقهية، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم: چهارم، ۱۴۲۱ هـ.
۳۷. مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، دار الکتب الإسلامية، تهران: ۱۴۲۴.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامية، تهران: ۱۳۷۴.
۳۹. — دائرة المعارف فقه مقارن، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قم: ۱۴۲۷ هـ. ق.
۴۰. نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، انتشارات اسماعیلیه، تهران: ۱۳۹۸ ق.
۴۱. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، مصحح: عباس قوچانی و علی آخوندی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۴.
۴۲. نراقی، مولی احمد، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: ۱۴۱۷ هـ. ق.
۴۳. نگوین کک، پاتریک دینه و آلن پله، حقوق بین الملل عمومی، ترجمه: حسن حبیبی، انتشارات اطلاعات، تهران: ۱۳۸۲.
۴۴. الهویی نظری، حمید؛ محمدی، عقیل، «تحلیل ابعاد حسن نیت در حقوق بین الملل در پرتو رویه قضایی»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵۳، ۱۳۹۴.



References

۱. The Holy Quran, Translated by Hossein Ansarian, Uswa Publications, Qom: ۲۰۰۴.
۲. A'rusi Howayzi, Abdul Ali bin Juma'h, Tafsir Noor al- Thaqalayn, Isma'ilian, Qom: ۱۴۱۵ AH.
۳. Alhuei Nazari, Hamid, Muhammadi, Aqeel, An Analysis of the Dimensions of Good Faith in International Law in the Light of Precedent/ Judicial Decision/Common Law, International Law Journal, No. ۵۳, ۲۰۱۵.
۴. Ansari Ali, The Concept and Meaning of Good Faith in Iranian and French Law, Comparative Law Researches Journal, Volume ۱۳, Number ۴, ۲۰۰۹.
۵. Ansari, Murtadha, Kitab al-Makasib [Book on Transactions], ۱st Volume, Matbu'at Dini, Qom: ۶th ۲۰۰۰.
۶. Bariklou, Alireza & Khazai Seyyed Ali, The Principle of Good Faith and Its Consequences in the Pre-contractual Period, with a Comparative Study of English and French Law, Journal of Judicial Law, No. ۷۶, ۲۰۱۱.
۷. Ebrahimi, Yahya, A Comparative Study of the Concept and Effects of Good Faith in Formation, Interpretation and Implement of a Contract, International Law Journal, No. ۴۱, ۲۰۰۹.
۸. Falsafi, Hedayatullah, International Law of Treaties, Farhang Nashr-e Now, Tehran: ۳rd Edition, ۲۰۱۲.
۹. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Kitab al-'Ayn, Hijrat Publications, Qom: ۱۴۰۹ AH.
۱۰. Fayz Kashani, Mulla Muhsin, Tafsir al-Safi, Researched by Hossein A'lami, Al-Sadr Publications, Tehran: ۲nd Edition, ۱۴۱۵ AH.
۱۱. Fazel Lankarani, Muhammad, Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah [Jurisprudential Rules], Mehr Printing House, Qom: ۱۴۱۶ AH.
۱۲. Gonabadi, Sultan Muhammad, Bayan al-Sa'adah fi Maqamat al-I'badah [Expressing Happiness in Worship Stages], Translated by Khani Reza, Hishmatullah Riyazi, Payame Noor University Press, Tehran: ۱۹۹۳.
۱۳. Hilli, Muhaqqiq, Najmuddin, Ja'far bn Hassan, Sharai'of Islam [Islamic Laws], Isma'ilian Institute, Qom: ۲nd Edition, ۱۴۰۸ AH.
۱۴. Hosseini Ameli, Seyyed Jawad, Miftah al-Karamah fi Sharh al-Qawa'id al-Allamah [The Key of Glory in the Commentary of the Book Rules of Allamah], ۴th Volume, Researched

- by Muhammad Baqir Khalisi, Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Qom Seminary Teachers, Qom: ۱۴۱۹ AH.
۱۵. Hosseini Jurjani, Seyyed Amir Abolfath, Tafsir Shahi, Navid Publications, Tehran: ۱۴۰۴ AH.
 ۱۶. Hosseini Rouhani Qommi, Seyyed Sadiq, Fiqh of Imam Sadiq (A.S), Dar al-Kitab, Qom: ۱۴۱۲ AH.
 ۱۷. Hosseini Shirazi, Seyyed Muhammad, Jurisprudence and Law, Markaz al-Rasool al-A'zam for Research and Publishing, Beirut: ۲nd Edition, ۱۴۱۹ AH.
 ۱۸. Ja'fari, Ali, The Principle of Good Faith in Contracts, Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom: ۲۰۱۵.
 ۱۹. Ja'farpour, Kourosh, Good Faith in International Trade, Quarterly Journal of Private and Criminal Law Research, ۲۰۰۵.
 ۲۰. Karaki (Muhaqqiq Thani), Ali bin Hassan, Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id [Comprising of the Contents in the Commentary of Book of Rules Written by Allamah Hilli], Muassasah Alul al-Bayt, Qom: ۲nd Edition, ۱۴۱۴ AH.
 ۲۱. Kashani, Mullah Fathullah, Zabdah al-Tafasir [The Epitome of Quranic Exegegeses], Bunyad Ma'aref Islami, Qom: ۱۴۲۳ AH.
 ۲۲. Khoei, Seyyed Abu al-Qasim, Misbah al-Faqahah [The Lamp of Jurisprudence], Compiled by Muhammad Ali Tawhidi, ۱st Volume, Jami' Fiqh of Ahl Bayt (A.S) Software, N.p.: n.d.
 ۲۳. Khomeini, Ruhollah, Kitab al-Bay' [Bookn on Sell and Buy], ۵th Volume, Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini, Tehran: ۱۴۲۱ AH.
 ۲۴. Kulayni, Muhammad bin Ya'qub, al-Kafi, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۴th Edition, ۱۴۰۷ AH.
 ۲۵. Makarem Shirazi, Naser et el., Encyclopedia of Contemporary Jurisprudence, Imam Ali Ibn Abi Talib Seminary Publications, Qom: ۱۴۲۷ AH.
 ۲۶. _____, Tafsir Nemooneh [The Ideal Exegesis], Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۹۹۵.
 ۲۷. Mohseni, Hassan, The Principle of Good Faith in Iranian Law with a Comparative Study, Journal of Comparative Law, No. ۱, ۲۰۰۶.
 ۲۸. Mughniyyah, Muhammad Jawad, Tafsir al-Kashif [The Discovering Exegesis], Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۴۲۴ AH.



۲۹. Muhammadi, Ali, Sharh Kashf al-Murad [A Commentary on the Allamah Hilli's Book Disclosing Intentions], Dar al-Fikr, Beirut: n.d.
۳۰. _____, Sharh Rasail [A Commentary of Sheikh Ansari's Book of Treatises (Rasail)], ۱st Volume, Dar al-Fikr, Qom: ۲۰۰۸.
۳۱. Muradkhani, Hassan, International Agreements and Its Conditions and Rulings, Kayhan Newspaper, June ۱۷, ۲۰۰۹.
۳۲. Mustafavi, Seyyed Kazim, Miah Qa'idah Fiqhiyyah [Hundred Jurisprudential Rules], Intishahrat Islami Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association, Qom: ۴th Edition, ۱۴۲۱ AH.
۳۳. Najafi Khomeini, Muhammad Jawad, Tafsir Asan [Exegesis Made Easy], ۴th Volume, Isma'ilia Publications, Tehran: ۱۳۹۸ AH.
۳۴. Najafi, Muhammad Hassan, Jawahir al-Kalam fir Sharh Sharai' al-Islam [The Jewels of Discussions in the Explanation of Islamic Laws of Hilli], ۲۸th Volume, Edited by Abbas Quchani and Ali Akhondi, Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۰۴ AH.
۳۵. Naraqi, Mawla Ahmad, Awa'id al-Ayyam fi Bayan al-Ahkam [Daily Routines in Explaining the Shariah Rules], Intisharat Daftar Tablighat Islami [Islamic Preaching Center Publications] of Seminary, Qom: ۱۴۱۷ AH.
۳۶. Nguyen, Quoc, Pakrik Pe & Alain Pellet, Droit International Public, ۱st Volume, Translated by Hassan Habibi, Ittila'at Publications, Tehran: ۲۰۰۳.
۳۷. Raghieb Isfahani, Muhammad, Al-Mufradat Alfaz al-Quran [Dictionary of Quranic Words], Dar al-Qalam, Beirut: ۱۴۱۲ AH.
۳۸. Samii, Jamshid, A Complete Commentary of Sheikh Ansari's Book of Treatises (Rasail), Khatam al-Anbiya', Isfahan: ۴th Edition, ۲۰۰۸.
۳۹. Shah Abdolazimi, Hossein, Tafsir Ithna Ashri [A Twelver Shia Exegesis of Quran], Miqat Publications, Tehran: ۱۹۸۴.
۴۰. Tabarsi, Fadhl bin Hassan, Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran [A Collection of Expressions Concerning the Interpretation of Quran], Farahani, Tehran: ۱۹۸۱.
۴۱. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Translated by Seyyed Baqir Musavi Hamadani, Intishahrat Islami Office for the Qom Seminary Teachers Association, Qom: ۱۹۹۵.

۴۲. Tusi, Muhammad bin Hassan, Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyah [A Comprehensive Discussion Concerning the Imamia Jurisprudence], Al-Makabah al-Murtadhawiyyah li Ihya al-Athar al-Ja'fariyyah, Tehran: ۳rd Edition, ۲۰۰۷.
۴۳. Zamakhshari, Mahmoud bin Umar, Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamidh al-Tanzil [Discovering the Realities of the Ambiguity of the Revelation], Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: ۱۴۰۷ AH.
۴۴. Ziaei Beigdili, Muhammad Ridha, International Public Law, Ganj-e-Danesh, Tehran: ۲۰۱۳.